

فوتبال به حدی جذاب است که از کلاس اولی تا کنکور ی زنگ ورزش را معادل زنگ فوتبال می دانند. به همین دلیل داستان های فوتبالی برای بچه های ما دنیایی هستند جذاب و درگیر کننده. این صفحه تقدیم به فوتبالی های کم سن و سال ایران!

## ما بزرگ شدیم اما بچه های جوادیه هنوز نوجوانند

مریم رحیمی پور

خبرنگار



جام جهانی در جوادیهای که من دارم نسخه ۱۳۸۴ است. گمانم همان سال از نمایشگاه کتاب خریدم. آن موقع یک کتاب خیلی جدید به نظر می رسید که تصویر جلدش نسبت به جلد کتاب های قدیمی پیشرفته تر بود و چاپ بهتری داشت. موقعی که خواندمش کلاس سوم دبستان بودم. الان این کتاب را توی مدرسه های دخترانه برای کلاس پنجم- ششمی ها توصیه می کنند. به همین ترتیب به طور کلی برای دبستان مناسب است. کلاس های چهارم و پنجم و با کمی اغماض ششم. هر قدر هم تلاش کنید که بچه های متوسطه اول با چنین اثری ارتباط برقرار کنند، احتمالاً موفق نخواهید بود.

هر آنچه در این یادداشت می نویسم برگرفته از احساسات یک دختر بچه ۹-۱۰ ساله است که جزو اولین نسل از خواننده های این کتاب بوده. بعد از آن سن دیگر سرافش نرفتم که دوباره بخوانم. قصه ماجرای سیاوش است. پسری که زبان انگلیسی اش خوب است و مشکل قلبی دارد و از همه مهم تر عاشق فوتبال است. در اثر چند سلسله اتفاق عجیب و غریب قرار می شود که تیم سیاوش و نوجوانان غیر ایرانی ساکن ایران با هم مسابقه فوتبال بدهند. سیاوش هم که لاف زده مسابقه بین چند ملیت مختلف است حالا نمی داند چه کار کند. از یک طرف تیمی غیر از تیم محله شان ندارند. از طرف دیگر اصلاً زمینیه برای برگزاری مسابقات ندارند.

نفس من در ۹-۱۰ سالگی به خاطر هیجان داستان گرفته بود. کمی هم اعصابم خرد شده بود. سیاوش و دوستانش

## کتابی برای پسرهایی که در آستانه نوجوانی اند

هر قدر هم در مورد شکستن کلیشه های جنسیتی حرف بزنیم یک جاهایی در عمل به بن بست می خوریم. برای من یکی از این اصلی ترین بن بست ها وقتی است که می خواهم به پسرهای نوجوان کتاب معرفی کنم. من معلم دخترهای نوجوان هستم. از ۱۰ تا ۱۷ ساله هایشان را هر هفته از نزدیک می بینم. کتاب هایی را که می خوانند، یا خوانده ام یا می دانم هر کدام چه ویژگی هایی دارد. هر بار که کمی احساس می کنم در زمینه کتاب نوجوان به جایی رسیدم و برای خودم کسی شده ام، با یک مادر نگران یا یک خواهر کنجکا و روبه رو می شوم که دنبال کتابی برای پسر یا برادرش می گردد، آنجاست که قفل می کنم. پسرهای نوجوان دقیقاً از چه کتاب هایی بیشتر خوش شان می آید؟ تمام تجربه ام از برخورد با پسرهای کتابخوان نوجوان به برادرم (که بیست سال پیش نوجوان بوده) و خواهرزاده ام (که الان کلاس هفتم است) محدود می شود. از همین تجربه می فهمم که پسر ها اندازه دخترها حال و حوصله ندارند. آن ها کتاب های شخصیت محور و آرام را نمی پسندند و از آن طرف هم به اندازه دخترها به کتاب ها فرصت نمی دهند که خودشان را ثابت کنند و راحت کنارش می گذارند. اما کتابی که همیشه سعی می کنم یک جوری توی سبدشان بگنجانم «ته جدولی ها» است. ماجرای یک تیم فوتبال دبستانی که تا قبل از اینکه تصمیم به انحلالش بگیرند همیشه ته جدول بوده اما یک جای قصه، شخصیت ها با هم پیمان می بندند که تا زنده اند با هم بازی کنند و هیچ چیز جدایشان نکنند. کتاب تصویرهای بزرگ و جالب دارد. تقریباً نصف هر صفحه تصویر است و فونت کتاب هم درشت و مناسب مخاطبانش یعنی بچه های دوره دوم دبستان است که احتمالاً به درد بچه های کتابخوان دوره اول دبستان هم می خورد. تا به حال ۹ جلد از این

در نهایت به سختی یک تیم افغانستان و یک تیم منتخب عرب تشکیل می دهند تا با نوجوان های دیگر جهان مسابقه بدهند. یادم نیست که آخرش دقیقاً چه می شود. مسابقات آنها حسابی سر و صدا می کند و همه منتظر نتایجش هستند. سیاوش هم در این میان چند بار مشکل قلبی اش عود می کند و جان خواننده را به لبش می رساند ولی دست آخر خاطره داستان تا سال ها بعد در ذهنش می ماند.

امروز که کتاب را ورق می زنم تا چند نکته را که فراموش کردم، پیدا کنم یک نکته روزنامه مربوط به انتخابات سال ۸۴ پیدا می کنم. یعنی تقریباً همان زمان که این کتاب را می خواندم. برای بعضی کتاب ها از این جهت احترام قائم که از پس سال های طولانی همچنان خواندنی هستند. سیاوش از پس ۱۷ ساله که گذشته هنوز دارد توی زمین های جوادیه رویایی می زند و تیم جمع می کند که بهترین نتیجه را نصیب ایران کند. سیاوشی که بزرگ نمی شود و توی آن کتاب همیشه نوجوان مانده

تا نوجوان های نسل های مختلف هر بار با او احساس نزدیکی و صمیمیت بکنند. جوری که انگار همدیگر را از نزدیک دیده اند.



کتاب توسط نشر هوپا چاپ شده. کمی که توی اینترنت دنبال نسخه های مختلفش می گردم، متوجه می شوم که نسخه صوتی و حتی فیلم اقتباسی هم دارد. با همه این تعریف که گفتم نمی شود گفت که «ته جدولی ها» کتابی فقط مخصوص پسر ها است. احتمالاً دخترهایی که فوتبال دوست دارند و از کودکی با کل کل هواداران استقلال و پرسپولیس بزرگ شده اند هم از چنین داستانی خوش شان می آید.

## ماجراجویی که از میان زمین فوتبال و از وسط میدان جنگ می گذرد

«پدر از پشت به او نگاه کرد. شانه های پاریک و پاهایش بلند و استخوانی بودند. پدر از آن همه بی اعتنائی دلش گرفت. بعد از پنج سال برنگشته بود که پسرش پشتش را به او بکند و به تماشای ساختمان های بیرون بایستد، آن هم پنج سال گرسنگی، سرما، شکنجه، پنج سال دلتنگی، تحقیر، انتظار؛ پنج سال اسارت. چوب های زیر بغلش را برداشت و بلند شد؛ چوب ها را که روی زمین گذاشت و سنگینی اش را به آنها داد، چوب ها آرام صدا کردند. یوسف تکان خورد، بی آن که برگردد و نگاه کند، فهمید که پدرش از اتاق بیرون می رود.» همه داستان «پسران گل» همین است؛ پسری که منتظر است تا پدرش از اسارت برگردد و مربی تیم فوتبال محله شان شود اما پدر وقتی برمی گردد یک پا ندارد و به سختی با عصا راه می رود. چنین پدری چطور می تواند آرزوهای پسرش را برآورده کند؟ «پسران گل» یکی از آن رمان های نوجوان قدیمی است. یک نسخه خیلی خیلی قدیمی اش را داشتم که چند صفحه اش سفید چاپ شده بود و خواهرم چند صفحه را دست نویس کامل کرده بود. اولین بار که خواندمش با چنین نسخه ای روبه رو بودم. روی جلدش هم عکس یک پسرک بود که یک واکی تاکی دستش گرفته و پدری که در پایین تصویر

## فوتبال دیدن با یک کودک ۴ ساله ناممکن است، مگر...

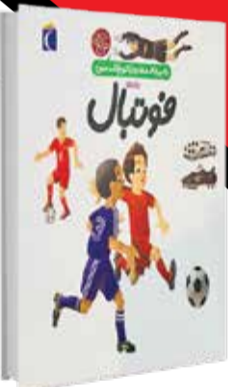
زهرا بزرگ زاده  
روانشناس کودک

وسط فوتبال نفس گیر و پر اضطراب ایران و انگلیس، فقط یک کودک چهارساله می تواند از شما به اندازه یک دایره المعارف فوتبالی اطلاعات بیرون بکشد و هزاران سؤال سرتان آوار کند که «بابا چرا فقط با یک توپ دارند بازی می کنند؟» یا «چرا

لباس هایشان عین هم است؟» یا حتی «بابا آفساید یعنی چی؟» کتاب فوتبال در مجموعه «دایره المعارف کوچک من» نوشته «فرانسا دوکیبرت» است که رویا خوبی آن را ترجمه کرده و انتشارات محراب قلم به چاپ رسانده است. این کتاب یکی از کتاب های مجموعه دایره المعارف کوچک من است. جلد های دیگر این کتاب هم موضوعات جالبی دارند که سؤالات کودکان را بخوبی پاسخ می دهد. برای مثال موضوع دیگر جلد ها درباره جانوران دنیا، دلفین ها و وال ها، حواس پنج گانه، جهان، کوهستان و... است و از آن جا که تصویر خیلی از جلد ها را پشت هر جلد کشیده است، منتظر باشید کودک کتان پس از تهیه هر جلد تند بشمارد که دیگر کدام جلد ها را ندارد! این کتاب با زبانی ساده و نقاشی های جذاب توضیح می دهد باز یک یعنی چه؟ چه وقتی گل می زنیم و کی گل می خوریم؟ تکل یعنی چه؟ چه کارهایی در فوتبال خطاست؟ پاس دادن یعنی چی؟ و... در واقع این کتاب به شما کمک می کند به کودک کتان قواعد این بازی محبوب را به زبان ساده توضیح دهید. خواندن این کتاب علاوه بر اینکه باعث می شود فوتبال بعدی را با سؤالات پخته تری از طرف کودک کتان ببینید و طبعاً لذت بیشتری هم ببرید، تأثیر خودش را روی بازی کودک کان هم می گذارد. یادم می آید یک بار بعد از اینکه این کتاب را برای دو پسر بچه خواندم، داشتم اتفاقی بازی شان را تماشا می کردم و دیدم حالا بخوبی می توانند خطاها را تشخیص دهند و بهتر از پیش به قوانین بازی احترام بگذارند! کودک کان ۴ تا حدود ۸-۹ ساله مخاطب این کتاب هستند و توصیه می کنم آن را فقط برای پسران نخوانید، چون دخترها هم به ایفا کردن نقش داور در بازی های کودکانه علاقه بسیاری دارند! در نهایت، وطن مفهومی پیچیده است که در همه ما احساسات گوناگونی برمی انگیزد اما دوست داشتن جایی که در آن به دنیا آمده و بالیده ایم ساده است. به کودک کانمان بیاموزیم پرچم، وطن و خاک ارزش دوست داشته شدن دارد و باید برای بالا بردن نامش تلاش کرد، هر تلاشی و هر طرفداری ای حتی اگر به اندازه کشیدن سه خط سبز و سفید و قرمز روی گونه ها حین دیدن مسابقه فوتبال ایران پای تلویزیون باشد.



با عصا حرکت می کرد. شاید ده-پانزده سال بعد اولین روزی که معلم کتابخوانی شدم این کتاب را به بچه های کلاس معرفی کردم. فکر نمی کردم دیگر منتشر نشود. نشر آموت مجدداً چاپش کرده بود این بار یک جلد سبز داشت و روی جلدش تصویر مردی نشسته روی ویلچر بود. جلد دوم دیگر حال و هوای نوجوانانه نداشت اما جدیدتر بود. نمی شود گفت که پسران گل یک کتاب کامل و فوق العاده است اما ایده جالبی دارد و آن را تقریباً بخوبی هم پیاده کرده است. ترکیبی از داستان دفاع مقدس و زندگی مردم عادی، پسرهای نوجوان عادی که انتظار پدرهایی را ندارند که بدون یک پا از اسارت برگردند و پدرهایی که بعد از تحمل همه سختی ها توقع چنین برخوردی را ندارند. پدر و پسر در طول داستان کم کم راه زندگی جدید را پیدا می کنند و چنین داستانی برای نوجوان ها احتمالاً جذاب و خواندنی است. آنها سردرگمی و حیرت شخصیت های داستان را درک می کنند و در طول قصه آرزو می کنند که مشکلات بتدریج حل شود. این طور هم می شود. در پایان داستان پدر و پسر کم کم اشتراکتشان را پیدا می کنند. اشتراکاتی که از وسط زمین فوتبال می گذرد.



لباس هایشان عین هم است؟» یا حتی «بابا آفساید یعنی چی؟» کتاب فوتبال در مجموعه «دایره المعارف کوچک من» نوشته «فرانسا دوکیبرت» است که رویا خوبی آن را ترجمه کرده و انتشارات محراب قلم به چاپ رسانده است. این کتاب یکی از کتاب های مجموعه دایره المعارف کوچک من است. جلد های دیگر این کتاب هم موضوعات جالبی دارند که سؤالات کودکان را بخوبی پاسخ می دهد. برای مثال موضوع دیگر جلد ها درباره جانوران دنیا، دلفین ها و وال ها، حواس پنج گانه، جهان، کوهستان و... است و از آن جا که تصویر خیلی از جلد ها را پشت هر جلد کشیده است، منتظر باشید کودک کتان پس از تهیه هر جلد تند بشمارد که دیگر کدام جلد ها را ندارد! این کتاب با زبانی ساده و نقاشی های جذاب توضیح می دهد باز یک یعنی چه؟ چه وقتی گل می زنیم و کی گل می خوریم؟ تکل یعنی چه؟ چه کارهایی در فوتبال خطاست؟ پاس دادن یعنی چی؟ و... در واقع این کتاب به شما کمک می کند به کودک کتان قواعد این بازی محبوب را به زبان ساده توضیح دهید. خواندن این کتاب علاوه بر اینکه باعث می شود فوتبال بعدی را با سؤالات پخته تری از طرف کودک کتان ببینید و طبعاً لذت بیشتری هم ببرید، تأثیر خودش را روی بازی کودک کان هم می گذارد. یادم می آید یک بار بعد از اینکه این کتاب را برای دو پسر بچه خواندم، داشتم اتفاقی بازی شان را تماشا می کردم و دیدم حالا بخوبی می توانند خطاها را تشخیص دهند و بهتر از پیش به قوانین بازی احترام بگذارند!

کودک کان ۴ تا حدود ۸-۹ ساله مخاطب این کتاب هستند و توصیه می کنم آن را فقط برای پسران نخوانید، چون دخترها هم به ایفا کردن نقش داور در بازی های کودکانه علاقه بسیاری دارند! در نهایت، وطن مفهومی پیچیده است که در همه ما احساسات گوناگونی برمی انگیزد اما دوست داشتن جایی که در آن به دنیا آمده و بالیده ایم ساده است. به کودک کانمان بیاموزیم پرچم، وطن و خاک ارزش دوست داشته شدن دارد و باید برای بالا بردن نامش تلاش کرد، هر تلاشی و هر طرفداری ای حتی اگر به اندازه کشیدن سه خط سبز و سفید و قرمز روی گونه ها حین دیدن مسابقه فوتبال ایران پای تلویزیون باشد.

